

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## هفته‌نامه مطالعات راهبردی سیبل



مؤسسه مطالعات راهبردی اندیشه‌سازان نور

تنظیم و صفحه‌آرا: مرضیه روشن‌روان

شماره نشریه: 146

تاریخ انتشار: 29 مهر 1399

تعداد صفحات: 17 صفحه



## واکاوی دلایل نپذیرفتن ریاست دوره‌ای اتحادیه عرب از نگاه رسانه‌های عربی

### رویداد

اتحادیه عرب که در سال ۱۹۴۵ با شش عضو مؤسس شامل مصر، عربستان، عراق، سوریه، لبنان و اردن و با هدف اتحاد میان کشورهای عربی تشکیل شد، اکنون بیش از هر زمان دیگری در بحران هویت به سر می‌برد و چشم‌انداز روشنی برای آن متصور نیست. انصراف شش کشور فلسطین، قطر، کومور، کویت، لبنان و لیبی از ریاست دوره‌ای اتحادیه عرب به دلیل افزایش اختلاف نظرها درباره عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی، از فروپاشی قریب‌الوقوع این بلوک سیاسی منطقه‌ای حکایت دارد. در گزارش پیش رو تلاش می‌شود دلایل عدم پذیرش ریاست دوره‌ای این اتحادیه از سوی کشورهای عضو از نگاه رسانه‌های جهان عرب بررسی و تحلیل شود.

### تحلیل رویداد

پس از اعلام توافق سازش میان ابوظبی و تل‌آویو، رام‌الله درخواست برگزاری نشست فوق‌العاده از دبیرخانه اتحادیه عرب کرد، اما احمد ابوالغیط، دبیرکل اتحادیه عرب، گفته بود نیازی به نشست فوق‌العاده نیست بلکه نشست دوره‌ای عادی برای بررسی این مسئله کفایت می‌کند. پس از برگزاری نشست دوره‌ای نیز اتحادیه عرب حاضر نشد اقدام امارات را در سازش با اشغالگران فلسطین محکوم کند.

مسئولان اتحادیه عرب به فلسطینی‌ها می‌گفتند که نمی‌خواهند موضوع فلسطین عاملی برای دوگانگی و اختلاف میان کشورهای عربی باشد، هرچند این اتفاق در عمل افتاده بود. خشم فلسطینی‌ها از اتحادیه عرب مدتی پیش که احمد ابوالغیط در اظهاراتی به تمجید از توافق سازش پرداخت و مدعی شد که این توافق مانع اشغال کرانه باختری شده است، دوچندان شد و صائب عریقات، دبیرکل کمیته اجرایی سازمان آزادی‌بخش فلسطین، خواستار استعفای ابوالغیط شد و او را فاقد صلاحیت ابقا در این منصب دانست.



در این باره شبکه الجزیره نوشت: اتحادیه عرب که از زمان آغاز جنگ سوریه با اختلاف نظرها و شکاف‌های جدی مواجه شد، در ماه‌های اخیر و در پی اقدام چند کشور عربی برای عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی با بزرگ‌ترین آزمون خود مواجه شده است؛ به نحوی که اکنون برای انتخاب ریاست دوره‌ای‌اش با مشکلی جدی مواجه شده و در تلاش است در نهایت براساس حروف الفبا، رئیسی برای خود انتخاب کند.

ماجرا از ۹ سپتامبر (۱۹ شهریور) شروع شد که اتحادیه عرب قطعنامه فلسطینی مبنی بر محکومیت عادی‌سازی روابط کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی را رد کرد؛ در نتیجه، ریاست دوره‌ای فلسطین بر اتحادیه عرب که می‌بایست در ماه مارس خاتمه پیدا کند، دو هفته پیش و در پی اقدام امارات و بحرین برای عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی خاتمه یافت. امتناع فلسطین از ادامه ریاست بر اتحادیه عرب، با نپذیرفتن این مسئولیت توسط قطر، کومور، کویت، لیبی و لبنان ادامه یافت و سرآغاز نمایش آشکارتری از شکاف‌های میان اعضای اتحادیه شد. روند عذرخواهی پی در پی کشورهای عضو اتحادیه عرب از ریاست دوره‌ای این بلوک نشان‌دهنده تضعیف نقش این نهاد در سطح منطقه‌ای و جهانی است که در مسائل و موضوعات متعددی مانند درگیری اعراب و رژیم صهیونیستی، سوریه، یمن، لیبی، ترکیه و... دچار اختلافات گسترده داخلی است. این اتحادیه که به دلیل تعهد غیرمنطقی اعضایش به اتحادهای منطقه‌ای و بین‌المللی، هرگز مستقل نبوده است، هیچ‌گاه نتوانسته منعکس‌کننده منافع جهان عرب باشد.

به عبارت بهتر، این بلوک سیاسی هرگز تلاشی برای آزادی، عدالت و توسعه انجام نداد؛ برای توسعه اجتماعی ارزش قائل نشد؛ به اصول سازمان ملل پای‌بند نبود؛ به جای عدم مداخله در امور دیگران، به محاصره، توطئه، اشغال و تخریب مشغول بود. پیش‌بینی می‌شود این اتحادیه در صورت ادامه روند عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی، در مدت کوتاهی دچار اضمحلال شود تا نماز میت فلسطینی‌ها در تشییع جنازه نمادین اتحادیه عرب در «نابلس» تحقق یابد. سناریوهای بدبینانه نیز از فروپاشی این اتحادیه تا دو سال آینده حکایت دارند، اما در سناریوی خوش‌بینانه این اتحادیه پس از فروپاشی به اتحادهای کوچک‌تری تقسیم خواهد شد.

در واقع باید عادی‌سازی روابط بحرین و امارات با رژیم صهیونیستی را بزرگ‌ترین ضربه بر پیکر این اتحادیه دانست که در آستانه نابودی قرار گرفته بود. دلایل مهم دیگر این فروپاشی عبارت‌اند از: ناتوانی این بلوک در حل و فصل فهرست بلندبالای بحران‌ها، ناهمگن و ناهماهنگ بودن اعضا و مشکلات جهان عرب و سلطه دلارهای نفتی بر اتخاذ موضعش.

روزنامه القدس العربی نوشت: وضعیت اتحادیه عرب به جایی رسیده است که برخی خواستار تبدیل این اتحادیه به سالنی برای برگزاری مراسم شادی شدند تا با این کار خیری به مردم جهان





عرب برسد. در این باره طبیعی است کشورها نخواهند ننگ ریاست بر اتحادیه‌ای را بپذیرند که آشتی با دشمن اسرائیلی را محکوم نمی‌کند و به ابزاری در دست حکام مصر، امارات، عربستان و بحرین تبدیل شده است و از پذیرش ریاست آن شانه خالی کنند.<sup>۱</sup>

نپذیرفتن ریاست اتحادیه عرب با واکنش‌های کاربران شبکه‌های اجتماعی جهان عرب نیز روبه‌رو شده است. برای مثال معترز مطر، از اصحاب رسانه مصر، در حساب کاربری خود نوشت: ما گفته بودیم که اتحادیه عرب دچار مرگ بالینی شده است؛ پس تدفین آن را زودتر انجام دهید یا اسرائیل را به ریاست آن انتخاب کنید.

عبدالله الفارسی، نویسنده عمانی، نیز در حساب کاربری خود نوشت: لیبی از پذیرش ریاست دوره‌ای اتحادیه عرب امتناع کرده است؛ پس چه کسی پس از امتناع برخی کشورها از تدفین آن، پیکر این اتحادیه را به خاک می‌سپرد؟!

قطب العربی، نویسنده مصری، در حساب کاربری خود نوشت: برای اولین بار کشورهای عربی از پذیرش ریاست اتحادیه عرب سر باز می‌زنند. این اتحادیه که نماینده پایین‌ترین میزان وجدان عربی بود، اکنون تنها نماینده محور عادی‌ساز با اسرائیل است.<sup>۲</sup>

### نتیجه‌گیری

با رفتاری که اتحادیه عرب در قبال سازش امارات و بحرین با رژیم صهیونیستی از خود نشان داد، مسئله فلسطین به عنوان یکی از عوامل هویت‌بخش به این اتحادیه که در طول ۷۵ سال گذشته در همه نشست‌ها بر آن تأکید شده، اکنون به منشأ اختلاف و افتراق تبدیل شده است. برای اولین بار از زمان تأسیس اتحادیه عرب در سال ۱۹۴۴، شش کشور از اعضای این اتحادیه از پذیرش ریاست دوره‌ای آن امتناع می‌کنند. حال این سؤال مطرح است که آیا زمان مرگ این اتحادیه فرا رسیده است؟ از نگاه کارشناسان و تحلیلگران، امتناع این شش کشور از پذیرش ریاست دوره‌ای اتحادیه عرب نشانه ناتوانی این نهاد در حل و فصل اختلافات و مشکلات ریشه‌ای و شکست آن در انجام وظیفه خود و اتخاذ تصمیم‌هایی است که موافقت اغلب کشورهای عضو را همراه داشته باشد که به آن معناست که این اتحادیه کارآمدی خود را از دست داده است.





## راهبرد اسرائیل در پرونده سد النهضه

### رویداد

اختلاف میان مصر و اتیوپی در پرونده سد النهضه ادامه دارد و دو طرف بارها یکدیگر را به درگیری نظامی تهدید کرده‌اند. آخرین مذاکرات بر سر این پرونده در تیر ۱۳۹۹ به میزبانی اتحادیه آفریقا بی نتیجه ماند. اما نکته درخور توجه رد پای رژیم صهیونیستی در پرونده سد النهضه است. مسئله امنیت آبی و موضوع تأمین آب برای شهرک‌های صهیونیست‌نشین یک نیاز اساسی برای رژیم صهیونیستی است تا موجودیت سیاسی و امنیتی خود را بر آب‌های نیل تحمیل کند.

در حالی که مصر و سودان سد النهضه را تهدیدی برای منابع آبی خود می‌دانند، اتیوپی ساخت این سد را برای توسعه و افزایش تولید برق ضروری می‌داند. اخیراً رئیس‌جمهور اتیوپی از تولید برق تا قبل از پایان امسال در مجلس سخن گفته است. به گفته کارشناسان، این نیروگاه برق ۶۵ میلیون اتیوپیایی را تأمین خواهد کرد.

### تحلیل رویداد

طمع‌ورزی‌های صهیونیست‌ها در آب‌های نیل به قبل از تاریخ تأسیس رژیم جعلی‌شان برمی‌گردد؛ چنان‌که تئودور هرتسل، بنیان‌گذار جنبش صهیونیسم، سال ۱۹۰۳ پروژه شهرک‌سازی در شبه‌جزیره سینا را ارائه داد تا بعدها آن را به شهرک‌های صهیونیستی در فلسطین اشغالی ضمیمه کند.<sup>۱</sup> فکر ساخت پروژه‌های انتقال آب به شهرک‌های صهیونیستی توسط تئودور هرتزل<sup>۲</sup> با هدف انتقال آب رود نیل به اسرائیل از سال ۱۹۰۳ آغاز شد.<sup>۳</sup> موضوع انتقال آب نیل به فلسطین اشغالی یکی از بندهای مذاکرات کمپ دیوید در سال ۱۹۷۹-۱۹۷۸ بود. یکی از کارشناسان آب اسرائیلی به نام الیشا کالی<sup>۴</sup> پژوهشی را در سال ۱۹۷۴ نوشت و شائول آرلوزوروف،<sup>۵</sup> یکی دیگر از کارشناسان آب اسرائیل، با پروژه‌ای به نام یور آن را در سال ۱۹۷۷ تدوین کرد.<sup>۶</sup>

۱. خبرگزاری مشرق نیوز، «نقشه شوم برای مصر و اتیوپی؛ خیز صهیونیست‌ها برای چنگ‌اندازی به آب‌های نیل»،

[www.mashreghnews.ir](http://www.mashreghnews.ir)، ۱۳۹۹/۰۴/۱۰

2. Theodor Herzl

3. Ronald Bleier, "Will Nile Water Go to Israel? North Sinai Pipelines and the Politics of Scarcity," Middle East Policy Council, No.3, Vol.v, 1997, [www.meopc.org](http://www.meopc.org).

4. Elisha Kali

5. Shaul Arlozorov

۶. الیشا کالی، المیاء و السلام: وجهة نظر اسرائیلیة، ترجمة رندة حیدر، بیروت: مؤسسه الدراسات الفلسطينية،



دانشگاه‌های اسرائیلی نیز به مطالعات آب در آفریقا، به خصوص مطالعات روی کشورهای حوزه رودخانه نیل، توجهی ویژه دارند.<sup>۱</sup>

### دلایل حمایت اسرائیل از اتیوپی در پرونده النهضه

۲۰ درصد تجارت خارجی اسرائیل از آب‌های دریای سرخ و اقیانوس هند صورت می‌گیرد؛ بنابراین اتیوپی اهمیت ویژه‌ای برای اسرائیل دارد. از طرف دیگر تعداد یهودیان اتیوپی در اسرائیل به ۱۴۰ تا ۱۵۰ هزار نفر می‌رسد.<sup>۲</sup> حجم تبادل تجاری بین اتیوپی و اسرائیل تا سال ۲۰۱۹ به ۳۰۰ میلیون دلار رسیده است.<sup>۳</sup>

مرداد ۱۳۹۵ بنیامین نتانیا هو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، طی سفر خود به آدیس آبابا (پایتخت اتیوپی) در مقابل پارلمان این کشور گفت: «ما از تکنولوژی اتیوپی حمایت می‌کنیم تا از منابع آبی آن استفاده کنیم». این جمله نتانیا هو بیانگر حمایت صریح اسرائیل از اتیوپی در سد النهضه است.

اسرائیل با حمایت از اتیوپی در پروژه سد النهضه در عین حال که سعی دارد امنیت آب خود را برای آینده تضمین کند، درصدد است سهمی تضمینی از آب رودخانه را برای خود به دست آورد. آنها حتی جدیدترین سیستم پدافند هوایی خود با نام «Spyder MR» را در سال ۲۰۱۹ نصب کرده‌اند که با حداکثر دقت می‌تواند تعداد زیادی هواپیمای رزمی را در فاصله ۴۰ تا ۵۰ کیلومتری سرنگون کند.<sup>۴</sup>

اتیوپی هم بخشی از ساختمان وزارت آب و برق را در اختیار متخصصان آب اسرائیلی گذاشته است تا مشاوره و تخصص فنی را به تیم‌هایی بدهند که در پروژه سد النهضه مشارکت دارند. شایان ذکر است شرکت‌های اسرائیلی زیادی در این پروژه نقش ایفا می‌کنند. أحمد العضوی، یکی از نمایندگان مصری، درباره فعالیت شرکت‌های اسرائیلی در اتیوپی هشدار داده و روابط دوجانبه تل‌آویو-آدیس آبابا و حمایت اسرائیل از پروژه سد النهضه را خطری جدی برای مصر قلمداد کرده است.<sup>۵</sup>

موضع‌گیری‌های صهیونیست‌ها در زمینه حمایت از اتیوپی در مسئله این سد همچنان ادامه

۱۹۹۱، و باسم شعبان، «النیل وأزمة توزيعه»، مجلة الجیش، لبنان، العدد ۳۹۷، ۲۰۱۸،

[WWW.Lebarmy.gov](http://WWW.Lebarmy.gov).

۱. ولید عبدالحی، توجهات أطروحات الدكتوراه في تخصص العلوم السياسية والعلاقات الدولية في الجامعات الإسرائيلية، موقع مركز الزيتونة للدراسات والاستشارات، ۲۰۲۰/۰۶/۰۱، [www. Alzaytouna.net](http://www.Alzaytouna.net).

2. Sit of CNN, 2019/07/04. [www. Edition.cnn.com](http://www. Edition.cnn.com).

3. Sit of International Policy Digest, 04/09/2019, [www.intpolicydigest.org](http://www.intpolicydigest.org).

۴. عبدالرحمن النجار، «ما هي مصالح إسرائيل في سد النهضة الإثيوبي؟»، منطقة الشرق ۱۲:۰۳، ۱۵ یولیو ۲۰۲۰، [www.sasapost.com](http://www.sasapost.com).

5. Sit of Egypt Today, 22018/01/05, [www. Egypttoday.com](http://www. Egypttoday.com).





دارد. اسرائیل با راهبرد آشکار و پنهان در پروژه سد النهضه دخیل بوده است.

## راهبرد آشکار اسرائیل در کنترل آب‌های رود نیل

۱. پروژه بهره‌برداری از چاه‌های زیرزمینی: اسرائیل چاه‌های زیرزمینی نزدیک مرز مصر را گرفته است. دولت اسرائیل معتقد است با این کار می‌تواند آب را از طریق لوله به سمت صحرای نقب<sup>۱</sup> هدایت کند.<sup>۲</sup>

۲. پروژه الیشا کالی: این پروژه زمینه انتقال آب به اسرائیل را فراهم می‌کند. با گسترش کانال اسماعیلیه جریان آب در آن افزایش می‌یابد و از این طریق آب از زیر کانال سوئز منتقل می‌شود.<sup>۳</sup>

۳. پروژه کانال صلح: این طرح را انور سادات در حیفا در سال ۱۹۷۹ پیشنهاد کرد. سادات از متخصصان خواسته بود مطالعه‌ای علمی و قابل اجرا برای رساندن آب نیل به شهر قدس انجام دهند.<sup>۴</sup>

۴. پروژه یور: پروژه‌ای که توسط کارشناس اسرائیلی، شائول اولوزوروف، معاون سابق سازمان آب اسرائیل، به تصویب رسید و هم‌زمان با مذاکرات کمپ دیوید و روند صلح بین مصر و اسرائیل، با ساخت شش کانال در زیر آب کانال سوئز، به رئیس‌جمهور سادات ارائه شد. با این پروژه می‌توان یک میلیارد متر مکعب آب برای آبیاری صحرای نقب انتقال داد.<sup>۵</sup>

۵. پروژه سد فیشا: این سد که با تأمین اعتبار از بانک توسعه آفریقا و با کمک اسرائیل در اسیوپی در سرشاخه‌های رود نیل در سال ۱۹۴۸ ساخته شد، با سرقت حدود ۵/۰ میلیارد متر مکعب، بر سهم مصر از آب رود نیل تأثیر می‌گذارد.<sup>۶</sup>

طبق آنچه گفته شد، روشن است که اسرائیل در کنترل آب‌های رود نیل و حصر آب‌ها برای کشورهای پایین‌دست همچون مصر و سودان نقش مستقیم دارد و با راهبرد آشکار اهداف خود را

---

۱. صحرای نقب (نگب) به معنای خشک، نام بیابانی وسیع در جنوب سرزمین‌های اشغالی است. این صحرا جزو خاک مصر است که به اشغال رژیم صهیونیستی درآمده و از قدیم و هم اکنون محل زندگی اعراب بادیه‌نشین است.

۲. أسامة حسین أبو کيلة، مياه النيل لعبة صهيونية لضرب دول الحوض، ۲۰۱۸/۰۲/۰۱، الموقع <http://almoslam.net/node/112598>.

3. Elisha Kali

۴. أسامة حسین أبو کيلة، دراسة تكشف عن المخطط الإسرائيلي للحصول على مياه النيل، ۲۰۱۸/۰۲/۰۱، <http://islammemo.cc>.

۵. أسامة حسین أبو کيلة، ورقة خلفية حول الوضع المائي في حوض النيل، شركاء التنمية للبحوث والاستشارات والتدريب.

۶. بدرالدين ابراهيم، دراسة: إسرائيل تنفذ مشاريع باثيوبيا بتكلفة ۷ مليارات دولار... وعرضت على كينيا سداد جميع ديونها وتقديم ۵۰۰ مليون دولار دعمًا سنويًا، ۲۰۱۸/۰۲/۰۱، <http://cutt.us/D4Y4o>.

۷. بدرالدين ابراهيم، آليات التدخل الإسرائيلي في دول حوض نهر النيل، ۲۰۱۸/۲۰/۰۱، <http://cutt.us/g3drm>.





دنبال می‌کند؛ اما اسرائیل راهبرد پنهان نیز در کنترل آب‌های رود نیل دارد.

### راهبرد پنهان اسرائیل در پرونده النهضه

اتیوپی اهمیت زیادی برای اسرائیل دارد که به دلیل موقعیت جغرافیایی و راهبردی آن است. از آنجا که اتیوپی به عنوان یک نقطه ورود مناسب برای دستیابی به یکی از اهداف راهبرد امنیت ملی اسرائیل، یعنی تضعیف امنیت آب اعراب در نظر گرفته می‌شود، جاه‌طلبی‌های اسرائیل در آب‌های نیل باعث بهره‌برداری از اختلافات بین کشورهای حوضه نیل و کشورهای پایین دست شده است. اسرائیل همچنین در تلاش است ایده‌های کشورهای بالادست حوضه نیل به رهبری اتیوپی را تغییر دهد تا مانع سازش اتیوپی با مصر در بحران سد النهضه شود.<sup>۱</sup>

طبق گزارشی که مرکز زیتون لبنان از دکتر ولید عبدالرحی منتشر کرده است «اسرائیل به دنبال تضعیف دولت و جامعه مصر است زیرا قدرتمندتر شدن مصر، خطرهای امنیتی زیادی برای اسرائیل همراه خواهد داشت.» بر این اساس اسرائیل توانسته است از نظر سیاسی (با تضعیف تمرکز منطقه‌ای و بین‌المللی)، از نظر اقتصادی (با تحریم یا تحت تأثیر قرار دادن منابع مرکزی مصر، از جمله رود نیل)، و از نظر نظامی با درگیری مسلحانه (در سینا)، و درگیری با گروه‌های افراطی در مرزهای مشترک با کشورهای لیبی و سودان و اتیوپی، مصر را ضعیف نگه دارد.

### نتیجه‌گیری

واقعیت آن است که موضوع سد النهضه تنها مربوط به مذاکرات مصر - اتیوپی - سودان نیست و بیشتر به تمایلات و جاه‌طلبی‌های اسرائیل برای تسلط بر منابع انرژی در رود نیل از یک سو و حضور گسترده و مؤثرتر در قاره آفریقا از سوی دیگر بستگی دارد.

در حال حاضر رژیم صهیونیستی بارزترین بازیگر در مسئله سد النهضه است و با راهبرد آشکار و پنهان در این موضوع به دنبال رسیدن به اهداف خود است؛ به طوری که رودخانه نیل منبعی شده است تا مصر را تضعیف کند و کنترل آب را به دست بگیرد و مشکل کمبود آب اسرائیل در آینده را جبران کند.



## ابعاد تبعیض نژادی در آمریکا

### مسئله

در پی کشته شدن جورج فلوید، شهروند سیاه‌پوست آمریکایی، به دست پلیس این کشور، از ششم خرداد (۲۶ می ۲۰۲۰) تظاهرات خیابانی ممتد در آمریکا شروع شده است که همچنان کم و بیش ادامه دارد و ابعاد مختلف آن در کانون توجه است. جنبش شکل‌گرفته اخیر در آمریکا دارای سابقه ۴۰۰ ساله از ۱۶۱۹ است که بردگانی از شمال و غرب آفریقا به آمریکا آورده شدند. درگیر شدن بیش از ۲۵۰۰ شهر آمریکا و برگزاری دست‌کم ۱۱۰ هزار راهپیمایی عملاً این کشور را طی هفته‌ها فلج کرد. این مسئله حکایت از تبعیض نژادی در جامعه آمریکا و قدرت بحران‌سازی این مسئله برای جامعه آمریکا دارد. با توجه به اهمیت این مسئله، در این نوشتار تلاش می‌شود ابعاد مختلف تبعیض نژادی در آمریکا مورد واکاوی قرار گیرد.

### تحلیل مسئله

نژادپرستی ریشه عمیقی در فرهنگ سیاسی آمریکا دارد که تقلیل آن به تنها یک واقعه، امری دور از حقیقت است. شاخص‌های نژادپرستی فرهنگی، فردی، نهادی و ... را می‌توان در بیگانه‌هراسی، سرکوب و عقاید (افراطی) در رابطه با نژادها، بهره‌مندی پایین آنها از آموزش و خدمات اجتماعی و میزان برخورداری از عدالت اجتماعی دانست که برخی از حوزه‌ها مورد اشاره قرار می‌گیرند:

۱. آموزش: در سال تحصیلی ۲۰۱۵-۲۰۱۶، دانش‌آموزان سیاه‌پوست صرفاً ۱۵ درصد از کل دانش‌آموزان آمریکا را تشکیل می‌دادند، با این حال ۴۴ درصد دانش‌آموزان تعلیق‌شده و ۳۶ درصد دانش‌آموزان اخراج‌شده، از سیاه‌پوستان بودند. در سال تحصیلی ۲۰۱۷-۲۰۱۸، میزان فارغ‌التحصیلان دبیرستان در آمریکا بین سفیدپوستان ۸۹ درصد و این میزان بین سیاه‌پوستان ۷۹ درصد بوده که نشان‌دهنده وجود سطح بالایی از نابرابری آموزشی است.

۲. پلیس و نظام قضایی: مسئله‌ای که به صورت خاص در برهه‌های مختلف اتفاق می‌افتد و گاه به صدر اخبار نیز می‌آید، مصونیت مأموران پلیس یا مأموران اجرای قانون است که از آن با عنوان «مصونیت کیفی» یاد می‌شود. مأموران پلیس و مأموران اجرای قانون در وهله اول موظف به رعایت حقوق قانونی مردم هستند؛ به عبارت دیگر، مردم حقوقی قانونی دارند، اما استیفای آن حقوق اگر بخواهد در دادگاه مطرح شود، نیاز به صراحت قانونی دارد. بنابراین اگر یک فرد معمولی بخواهد از پلیس به دادگاه شکایت کند، حکم دادگاه به این دعوا منوط به صراحت قانونی آن مورد خاص



است؛ یعنی باید برای مثال در قانون به صراحت آمده باشد که گذاشتن پای پلیس بر گردن یک فرد مجرم یا فرد عادی خلاف قانون است؛ در غیر این صورت آن مسئله یا آن پرونده در دادگاه بررسی نمی‌شود و از رسیدگی دادگاه خارج می‌شود. این مسئله بحث‌های دامنه‌داری را در کنگره آمریکا به وجود آورده است. اخیراً مجلس نمایندگان قوانینی پیشنهاد کرده است تا این مصونیت کیفی کاهش پیدا کند و مأموران اجرای قانون موظف به اقداماتی پیشگیرانه برای جلوگیری از این فجایع شوند. حال ممکن است نهادهای ملی و ایالتی آمریکا جسته و گریخته طرح‌هایی را برای کاهش خشونت پلیس دنبال و رفتار آن را کنترل کنند. برای مثال نصب دوربین‌هایی روی لباس اجبار و ضرورتی است که بسیاری از ایالت‌ها آن را دنبال کرده‌اند، اما این اقدام در ایالت مینه‌سوتا با تأخیر انجام شد یا در ایالت ویسکانسین قرار است از دو سال آینده، یعنی از ۲۰۲۲ برای پلیس اجرایی شود. تأخیری که در اصلاحات نهادهای پلیس و نهادهای اجرای قانون در حال وقوع است، عامل سرخوردگی و ناامیدی طبقه سیاه‌پوست جامعه آمریکا شده است.

در این میان برای نمونه، در شهر نیویورک ۸۸ درصد از توقف‌ها و بازرسی‌هایی که از خودروها انجام شد، مرتبط با سیاه‌پوستان و لاتین‌تبارها بود و فقط ۱۰ درصد مرتبط با سفیدپوستان بود. (در ۷۰ درصد از موارد نیز مظنونین بی‌گناه بودند.) احتمال بازداشت سیاه‌پوستان بیشتر از سفیدپوستان است و در صورت بازداشت، احتمال محکومیت و زندانی شدن طولانی‌مدت بسیار زیاد است. محکومیت مردان سیاه‌پوست ۱۹ درصد بیشتر از مردان سفیدپوست برای ارتکاب جرم یکسان است. همچنین احتمال کشته شدن سیاه‌پوستان به دست پلیس سه برابر بیشتر از سفیدپوستان است.

۳. سلامت: در سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ بیماران سفیدپوست از خدمات سلامت و بهداشتی با کیفیت بیشتری نسبت به رنگین‌پوستان بهره‌مند بوده‌اند. کیفیت خدمات آنها ۳۴ درصد نسبت به اسپانیایی‌تبارها، ۴۰ درصد نسبت به سیاهان و ۴۰ درصد نسبت به سرخ‌پوستان بهتر بوده است. همچنین احتمال فوت زنان سیاه‌پوست بر اثر بیماری‌های مرتبط با زایمان، ۳ تا ۴ برابر بیشتر از زنان سفیدپوست است. بر اساس داده‌ها، یکی از قشرهای آسیب‌دیده ایالات متحده در بیماری کرونا در نیوجرسی، سیاه‌پوستان آمریکایی بوده‌اند که حدود ۱۹ درصد مرگ و میر این ایالت را تشکیل می‌دهند؛ در حالی که آنها حدود ۱۳ درصد از جمعیت نیوجرسی را شامل می‌شوند. در همین حال، آسیایی‌ها ۶ درصد از مرگ و میر و ۱۰ درصد از جمعیت را تشکیل می‌دهند.

۴. شکاف اقتصادی: محققان جنبش‌های اجتماعی و اعتراضی استدلال می‌کنند که عمق نارضایتی یک فرد از موقعیت اقتصادی او در جامعه منبعث می‌شود که شرکت‌کنندگان در اعتراضات را از غیر شرکت‌کنندگان متمایز می‌کند. نابرابری‌های اقتصادی هم در آمریکا مسئله‌ای انکارناپذیر است. نابرابری اقتصادی ناشی از نظام سرمایه‌داری میان سفیدپوستان و سیاه‌پوستان مسئله‌ای است که





حتی متفکران آمریکایی هم به آن هشدار داده‌اند. با این حال نابرابری اقتصادی در طبقه سیاه‌پوست و رنگین‌پوست جامعه آمریکا بیشتر خود را نشان می‌دهد و جلوه و نمود بیشتری پیدا می‌کند. برای مثال در شهر مینیاپولیس که نقطه شروع این اعتراضات بود، میزان فقر میان سیاه‌پوستان حدود ۳۶ درصد و میزان بیکاری حدود ۱۲ درصد است. این مسئله نشان می‌دهد اعتراضات صرفاً یک بازی سیاسی و زودگذر نیست و اگر واقعا دولت یا حکومت‌های محلی و ایالتی در آمریکا فکری به حال این تبعیض‌ها و نابرابری‌ها نکنند، ممکن است این اتفاقات به بهانه‌های مختلف دیگری تکرار شود. البته دولت آمریکا و حکومت ایالتی طی سال‌های گذشته اقداماتی کرده‌اند. برای مثال طی سه یا چهار سال گذشته برای برنامه‌های مبارزه با فقر بودجه‌ای حدود یک و نیم تا دو میلیارد دلار در نظر گرفته و دنبال شده است تا بی‌خانمانی را کاهش دهند، کسانی را که بی‌خانمان هستند، پوشش دهند یا وضعیت کار، وضعیت تأمین مسکن را در آمریکا به خصوص در جامعه سیاه‌پوستان بهبود بخشند، اما چندان موفق نبوده‌اند؛ چنان‌که مسئله بی‌خانمانی در آمریکا ادامه دارد. البته این‌گونه حمایت‌ها به این معنا نیست که بی‌خانمان‌ها خانه‌دار شوند، بلکه تنها قرار است بخشی از اجاره‌بهای مسکن را تأمین کنند یا کاهش دهند. بنابراین این مسائل در آمریکا به‌رغم تلاش‌هایی که شده است، وجود دارد که خود مبنای بروز بحران و اتفاقاتی است که در برهه‌های مختلف تکرار می‌شود.

ادیس جانسون<sup>۱</sup> یکی از استادان جامعه‌شناسی دانشگاه واشنگتن، معتقد است: «وقتی نوبت به تیراندازی پلیس می‌رسد، ممکن است رنگ محله شما به اندازه رنگ پوست شما مهم باشد.» براساس تجزیه و تحلیل این کارشناس، آمارهای نژادی و اقتصادی محله‌ای که یک فرد در آن زندگی می‌کند می‌تواند عاملی قدرتمند در احتمال کشته شدن طی درگیری با پلیس باشد. در محله‌هایی که سطح نابرابری درآمد بالایی دارند مانند مناطق فقیرنشین، احتمال کشته شدن مردان رنگین‌پوست در مواجهه با پلیس بیشتر است. مردان اسپانیایی در این شرایط حتی بیشتر از مردان سیاه‌پوست با خطر روبه‌رو هستند. براساس آمار Social Science & Medicine، میان مردان رنگین‌پوست، مردان اسپانیایی تبار دو برابر بیشتر در معرض درگیری و منازعات خطرآفرین هستند. بر این اساس نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی مسئله‌ای کلی است و منحصر به جامعه سیاه‌پوستان و رنگین‌پوستان آمریکا نیست، بلکه جامعه سفیدپوست نیز از تبعات منفی این نابرابری‌های اقتصادی در رنج و سختی هستند.

۵. تقسیم کار ناموازن: موضوع دیگر اینکه تسلط سفیدپوستان آمریکا بر نهادهای قدرت و نهادهای اجرای قانون کم و بیش ادامه پیدا کرده و به‌رغم همه این اعتراض‌ها، تغییری در مبنا رخ نداده است.





دوتکویل در کتاب «دموکراسی در آمریکا» می‌گوید وقوع جنبش‌ها ناشی از به هم خوردن ثبات در جامعه است. در آمریکا هم نژاد سیاه و سفید هیچ وقت نمی‌توانند کنار هم زندگی کنند. بنابراین می‌توان گفت یکی از شرایط وقوع انقلاب، فقدان شرایط مساوی و برابر برای همه است که چنین ظرفیتی در آمریکا وجود دارد و همین نابرابری‌ها به انقلاب‌ها اجازه بروز خواهد داد. به عقیده دوتکویل، نحوه تقسیم کار در جوامع صنعتی به سمتی پیش می‌رود که دچار انقلاب خواهند شد، زیرا شاهد تقسیم کار نامتوازن در این جوامع هستیم. این عدم توازن در همه زوایای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایالات متحده دیده می‌شود. بنابراین می‌توان گفت این جنبش عکس‌العملی به نحوه تقسیم کار در جامعه صنعتی آمریکاست. یکی از مصادیق این گزاره به فرایند استخدام در آمریکا مربوط می‌شود، به طوری که رزومه افرادی که نام‌هایشان تداعی‌کننده افراد سفیدپوست است، ۵۰ درصد احتمال بیشتری برای به‌کارگیری دارند تا افرادی که نام‌هایشان تداعی‌کننده سیاه‌پوستان است. احتمال بیکاری افراد سیاه‌پوست حدوداً دو برابر بیشتر از افراد سفیدپوست است. این آمار در بازه نوامبر ۲۰۱۸ تا اکتبر ۲۰۱۹، میان سیاه‌پوستان ۵ درصد و میان سفیدپوستان نزدیک به ۳ درصد بوده است. همچنین در صورت استخدام، میزان درآمد آنها ۲۵ درصد کمتر از هم‌تایان سفیدشان است.

### نتیجه‌گیری

با اینکه تبعیض نژادی و کشته شدن جورج فلویید سیاه‌پوست سرآغاز اعتراضات اجتماعی ماه‌های گذشته در شهرهای آمریکا بود، اما این به معنای رضایتمندی سفیدپوستان از وضعیت اجتماعی و اقتصادی آمریکا نیست. حضور اکثریت سفیدپوست در اعتراضات مؤید این نظر است که اعتراضات در آمریکا منشأ واحدی ندارد و فقط مشکل نژادپرستی نیست. نحل‌های فکری افراد و گروه‌هایی که در اعتراضات شرکت می‌کنند نیز متفاوت است. وجه اشتراک‌شان در این است که باید در تظاهرات شرکت کنند، اما قطعاً اختلاف نظر هم دارند. علاوه بر تبعیض نژادی، دعوای فقیر و غنی نیز در جامعه آمریکا در حال شکل‌گیری است. آمریکایی‌ها خود ادعا می‌کردند در جامعه آمریکا همه از فقیر و ثروتمند خود را طبقه متوسط می‌دانند، زیرا در آن زمان، تمام یا بخش عمده‌ای از حداقل امکانات برخوردار بودند. در حال حاضر شکاف درآمدی و احساس فقر در جامعه آمریکا به شدت در حال افزایش است. فقر از یک طرف و احساس فقر و نابرابری از طرف دیگر در حال افزایش است. جنبش وال‌استریت هم به این علت رخ داد. در حال حاضر دو جنبش برابرخواهی نژادی و برابرخواهی اقتصادی با هم پیوند خورده‌اند و اعتراضات اخیر را رقم می‌زنند. از آنجا که شکاف درآمدی و نابرابری اقتصادی در سال‌های آینده رو به افزایش خواهد بود، به خصوص به دلیل بحران کرونا و پیامدهای آن، پیش‌بینی می‌شود احتمالاً در انتخابات بعدی در سال‌های ۲۰۲۴، ۲۰۲۸، ۲۰۳۲ شاهد چنین اعتراضاتی با شدت بیشتر خواهیم بود.



## دولت مخالف مقاومت؛ تهدیدها و فرصت‌ها

### مسئله

مسئله مقاومت در غرب آسیا همواره متأثر از سه مؤلفه داخلی (درون‌کشوری)، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است؛ به ویژه پس از انقلاب اسلامی، تأثیر مؤلفه‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در تداوم دولت‌های مخالف مقاومت بیشتر شده است، به گونه‌ای که این دو عنصر، مؤلفه داخلی برای شکل‌گیری دولت مقاومت یا منع شکل‌گیری آن را به شدت محدود کرده‌اند. اگر در عرصه منطقه‌ای پدیده دولت مستبد در برابر دولت مقاومت قرار گرفته است، در عرصه فرامنطقه‌ای مسئله استکبار و به عبارتی دیکتاتوری جهانی مقابل این دولت ایستاده است. این نوشتار ضمن تشریح دولت مخالف مقاومت، به تهدیدها و فرصت‌های ناشی از آن می‌پردازد.

### مؤلفه‌های دولت مخالف مقاومت

نخستین ویژگی دولت مخالف مقاومت گرایش به دیکتاتوری و منع مردم‌سالاری است که پدیده‌ای شایع در جهان اسلام است. نتیجه اولیه این وضعیت پذیرش سلطه و گرایش به تبعیت از استکبار است؛ چنان که رهبری انقلاب بیان داشتند: «امروز متأسفانه محیط زندگی بشر از تصرفات و عملکرد گروه‌های استکباری در سرتاسر دنیا سرشار است. البته، در رأس‌شان آمریکا است. اینکه دولتی به خود حق می‌دهد که اگر دولتی مخالف او بود، صریحا و علنا و بدون هیچ خجالتی بگوید: من او را برمی‌اندازم، این روح استکبار است.» تداوم حیات دولت‌های دیکتاتور منطقه بدان علت که خاندان حاکم نزد مردم خود جایگاهی ندارد، با نزدیکی به آمریکا امکان‌پذیر است. بنابراین وجود هرگونه دولتی را که در تضاد با این مؤلفه باشد، بر نمی‌تابند.

دومین ویژگی این دولت، گرایش به مادی‌گرایی و دوری از معنویت‌گرایی است. در واقع این دولت در چارچوب ارزش‌های تمدن مدرنیته عمل می‌کند. مادی‌گرایی چنین دولتی به معنای انکار معنویت‌گرایی است، نه اینکه معنویت‌گرایی موضوعی بالاتر در این دولت باشد. ویژگی دیگر دوران جدید از دیدگاه انقلاب اسلامی که زیربنای دولت مقاومت است، تغییر جهت رویکرد اجتماعی بشر به سمت محوریت معنویت‌گرایی و دین است؛ به گونه‌ای که نه تنها در عرصه فردی بلکه می‌تواند در عرصه اجتماعی به کار رود. انقلاب اسلامی با محوریت دین اسلام در این زمینه یک نقطه عطف برای جهان است که در برابر داعیه‌داران ایدئولوژی‌های مادی به عنوان نیرویی مستقل و در تقابل با ساختار قدرت با تأکید بر عناصر معنوی تداوم یافته است.



ویژگی سوم این دولت‌ها گرایش به سرمایه‌داری و عقلانیت ابزاری است. این دولت‌ها با پذیرش اصول سرمایه‌داری، گام نخست را در پذیرش دیکتاتوری جهانی برمی‌دارند. سرمایه‌داری به دنبال خود استعمار، امپریالیسم، سلطه، نظامی‌گری و خشونت در قالب جنگ‌ها و انقلاب‌ها را عاید دولت‌های مخالف مقاومت در جهان اسلام کرده است. نتیجه این وضعیت توجه به عقلانیت ابزاری و منفعت مادی‌گرایانه در برابر ارزش‌های انسانی و حمایت از مظلوم و عدالت است. همین ویژگی ضرورت دولت مقاومت را به عرصه جهانی و نه صرفاً جهان اسلام می‌کشاند.

این وضعیت در بسیاری از جوامع اسلامی موجب تشکیل دولت‌هایی مخالف مقاومت شده است که نظم منطقه‌ای را به جبهه‌ای در تضاد با محور مقاومت تبدیل کرده‌اند. ساختار داخلی چنین دولت‌هایی در داخل، ساختار منطقه‌ای ضد مقاومت را ایجاد می‌کند و این دو مؤلفه، ساختار فرامنطقه‌ای را به حفظ دولت‌های ضد مقاومت تحریک کرده است.

### فرصت‌ها و تهدیدها

در شرایط کنونی نخستین فرصت، شکل‌گیری جنبش‌های جدید اجتماعی در جوامع به ویژه جهان اسلام است. سال ۲۰۱۱ یک تبلور از اقدام هماهنگ این جنبش‌ها بود تا اهداف خود را خارج از ساختارهای چنین دولت‌هایی و در کف خیابان‌ها پی‌جویی کنند. رسانه‌های نوین مجازی ابزار اصلی این جنبش‌ها هستند که سبب می‌شوند حیطه اقدام آنها فراملی باشد و ارزش‌ها و اقدامات به سرعت به کشورهای دیگر سرریز شود. فرصت دوم، ظهور و توسعه بازیگران غیردولتی در جوامع است. فعالیت‌های این بازیگران سبب می‌شود دستورالعمل دولت‌ها تحت فشار قرار گیرد و دست‌کم گرایش به دولت‌های ارتجاع نداشته باشند. دو مؤلفه جنبش‌های جدید و بازیگران غیردولتی، اصل تسری جغرافیایی بین این دولت‌های هم‌جوار را شدت بخشیده است؛ به گونه‌ای که شروع تحول در هر کشوری احتمال توسعه آن به مجموعه‌ای از کشورها را فراهم می‌کند.

وجود شکاف‌های تنش‌آفرین حاصل از دولت‌های مخالف مقاومت فرصت مهم دیگری برای فشار بر چنین دولت‌هایی برای تغییر رفتار است. شکاف‌های اقتصادی شدید، فرقه‌گرایی و دیکتاتوری خاندانی ظرفیت بحران در چنین دولت‌هایی برای تغییر رویه را شدت بخشیده است. فرصت دیگر افول قدرت و حضور آمریکا به عنوان حامی این دولت‌ها در جهان اسلام است که نتیجه آن، تقویت عمل‌گرایی جریان مقاومت و کاهش قدرت دولت‌های تحت حمایت آمریکا در منطقه است.

اما تهدیدهای ناشی از این دولت‌ها همچنان وجود دارد. این دولت‌ها به شدت بر اقتصاد این جوامع مسلط هستند و با توزیع درآمدهای رانتی و ابزار سرکوب ممکن است سال‌ها تداوم داشته







باشند؛ زیرا با همین حربه توانستند بیداری اسلامی ۲۰۱۱ را به انحراف بکشند. تهدید دوم، هم‌پیمانی راهبردی چنین دولت‌هایی با رژیم صهیونیستی در سکوت افکار عمومی این جوامع است که می‌تواند خلأ قدرت ناشی از آمریکا را جبران کند. تهدید سوم مربوط به ساختار جریان‌های مقاومت است. این جریان‌ها تا کنون نتوانستند رویکرد سیاسی برای نفوذ در بدنه دیکتاتوری‌ها پیش گیرند و به سرعت درگیر مسائل نظامی شده‌اند. ساختار رهبری فردی یک تهدید برای این جنبش‌هاست که با ترور رهبران، امکان واگرایی این جنبش‌ها زیاد است.

### نتیجه‌گیری

دولت‌های مخالف مقاومت اکنون راهبرد ائتلاف با بازیگران خارجی امنیت جمعی و خرید امنیت از خارج را شدت داده‌اند؛ زیرا واگرایی جوامع داخلی این دولت‌ها در کنار توسعه جریان مقاومت، امکان ظهور موج جدیدی از تحولات را ایجاد کرده است. به نظر می‌رسد روند جدید یک روند وارونه است که با کاهش نقش ساختاری فرامنطقه‌ای زمینه تحولات منطقه‌ای و در نهایت درون‌کشوری در این دولت‌ها فراهم خواهد شد حتی اگر این روند زمان‌بر باشد.

